روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۴ بهمن ۱۳۹۸ • ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ • ۳ فوریه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۳۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۲ • اذان صبح‌فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۳

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

تحلیل

شورش نکنید

عبدالحمید زندویان

● کارکردن بعد از سال‌ها سابقه کار داشتن در پروژه‌های شهرداری، داستان کار گِل سعدی علیه‌الرحمه را یادآور است. در این شهر بی‌دروپیکر و پر از چاله و چوله و آکنده از آسفالت‌های درب‌وداغان خیابان‌ها، جدول‌های رنگارنگ حاشیه بزرگراه‌ها، آزادراه‌ها و از همه جالب‌تر آدمیان تیز و بز! که از هر ترفندی برای گریز از ترافیک و هوای آلوده تهران بهره می‌برند، به قصه حسین کرد شبستری شباهت دارد. در این قصه، اگر کمی ملاطفت رمانتیک داشته باشی، کلاهت پس معرکه است و اگر اندکی سربه‌زیر باشی که مثل زباله‌های ته خیابان در سحرگاهی مغموم! جارویت می‌کنند.

القصه، داستان این است که من گردن‌شکسته برای یک شرکت پیمانکاری تحت قرارداد یکی از شهرداری‌های مناطق خوش‌آب‌وهوای تهران مشغول به کار شدم. این در شرایطی بود که دورازجان شما در چندین شرکت و سازمان فنی و صنعتی مهم و غیرمهم در چارچوب یک متخصص فنی سربه‌زیر کار کرده بودم و این‌بار پیمانکار یکی از شهرداری‌های تهران پا به میدان گذاشت تا باقی‌مانده پوست سرم را که در جاهای دیگر حسابی زیر تیغ! رفته بود بکند و حالم را آنچنان جا بیاورد که دیگر هوای کارکردن خوش‌دلانه و صبورانه را از دست بدهم و به شرح ماجراهایی بپردازم که بر امیرارسلان نامدار! رفت.

صبح خیلی زود یکی از این روزهای خدا، درحالی‌که واقعا هوا گرگ‌ومیش بود به محل کارم رفتم؛ البته قبلا مرا به پیمانکار مربوطه معرفی کرده بودند. شرکت مربوطه مانند همه شرکت‌های پیمانکاری در این شهر درندشت، خدارا شکر! البته از دیدگاه خودشان کمترین ضابطه و مقررات قانونی را چه در ارتباط با قانون کار، چه در مسئله استخدام نیروهای کار، چه موضوع حق بیمه، چه سنوات کاری و چه حتی مواردی نظیر مرخصی‌ها و... رعایت نمی‌کردند. تنها موردی که اینها کمی تا قسمتی به آن پایبند بودند، درنظرگرفتن حداقل حقوق کارگری برای حتی مهندس و تکنیسین و متخصصی بود که سابقه کار داشته و دارد. از همه جالب‌تر، حرفشان یعنی همان شرکت پیمانکاری این بود که هر ماه ما نمی‌توانیم حقوق و دستمزد بدهیم و برنامه‌مان این است که هر سه ماه یک بار، آن‌هم چندرغاز به شما دستمزد بدهیم که در عمل به صورت گوشت نذری در دو قسم پرداخت می‌شد و سابقا چکی داده می‌شد برای ماه بعد از آن که دو، سه روز قبل از موعد چک گفته می‌شد چک را وصول نکنید و عملا این پروسه وصول چک حداقل شش ماه طول می‌کشید و جالب‌تر اینکه اگر چک را در حساب شخصی می‌خواباندیم و از طریق اتاق پایاپای بانک‌ها می‌خواستیم وصول کنیم اگر در حسابمان پولی نبود، نمی‌دانم چرا فرم نمی‌خورد و جواب بانک این بود که این شرکت خوش‌حساب است! همه از بهداشت و بیمه و نظام سلامت بهره‌مند می‌شوند و قس علیهذا...

بگذریم، در نخستین روز کار گفتند که اینجا باید کنده شود و جدول‌سازی جدید شود و کارگران افغانستانی که بندگان خدا روزمزد هستند و توقع دستمزد زیادی هم ندارند و مثل کارگرهای هموطن توقعشان هم زیاد نیست، زیر نظر شما یعنی بنده سراپاتقصیر کار می‌کنند. نخستین سؤالی که به ذهنت می‌رسید این بود که رئیس کیست؟ البته هم مدیر اجرائی، هم مدیر فنی ، هم مدیر کارگاه، هم دیگران و... به نوعی رئیس هستند و هرکدام هم ساز خود را می‌زدند و در این ساززدن‌ها گاهی راننده و مسئول حمل‌ونقل کارکنان هم در قالب متخصص فنی ظاهر می‌شد و از قدیم که گفته‌اند آشپز که دوتا شد چه عرض کنم (که بیش از حد مجاز آشپزباشی موجود است)، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک. «آقا من ناراحتی قلبی دارم و سکته‌ای هستم، شورش نکنیدا».

ادامه دارد

کارتون خواب

لوبومیر کوترا

آکادمی

یک جنگ جهانی دیگر

بابک زمانی نورولوژیست

در هفته‌های اخیر جهان درگیر نیروهایی شده بود که او را آرام‌آرام به‌سوی جنگی خون‌بارتر از جنگ‌های گذشته، جنگی میان انسان با انسان در مناسباتی کاملا انسانی و ازهمین‌رو بی‌رحم، حیله‌گر و خشونت‌آمیز سوق می‌دادند. ناگاه صوراسرافیل جنگی از نوعی دیگر، از گوشه‌ای دور و دور از انتظار طنین‌انداز شد؛ جنگی از نوع جنگ انسان با طبیعت و ازاین‌رو جنگی آخرالزمانی! گویی می‌گفت به صدای بلند که به سلاح‌ها و حیله‌هایت غره مباش، فقط یک جهش ژنتیکی در رده‌ای از ویروس‌ها می‌تواند طومار تو را در هم بپیچد و بنیادت را بر باد دهد. جنگ انسان با انسان در حماقت اجتناب‌پذیر بشر ریشه دارد، اما جنگ با طبیعت مظلومیتی اجتناب‌ناپذیر است! خواه ناله‌های نقش‌بسته بر دیوار غارها و خواه فریادهای «امید» از سوراخ پنجره‌های ساختمان‌های «ووهان». جنگ انسان با انسان چاره‌اش دروغ است و فریب و خرافات از هر نوع، جنگ انسان با طبیعت چاره‌ای جز راستی و دانش آن هم از روزآمدترین و پیراسته‌ترینش ندارد. طبیعت از منکران حقیقت و مرتدان کیش‌دانش انتقامی سخت می‌گیرد. جنگ انسان با انسان جنگ ملت‌هاست با یکدیگر اما آن جنگ دیگر، جنگ همه ملت‌هاست با طبیعت؛ جنگی که ملت‌ها بسته به توانایی و دانش‌شان، بسته به فاصله‌ای که با خرافه و دانش، با انضباط و کارآمدی دارند، با آن به نبرد می‌پردازند. صدمه می‌بینند یا سالم‌تر می‌مانند. به یاری دیگر کشورها می‌روند یا سربار نبرد بین‌المللی می‌شوند! توفان‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها و البته ویروس‌ها همراهان دیرین بشر هستند؛ همراهانی که نه‌فقط شکل و قیافه و ظاهر ما که حتی رفتارهای ما هم در تقابل و تعامل با آنان شکل گرفته است و هر بار جلوه‌ای اساطیری اما به رنگ آن دوران به خود گرفته‌اند و محملی شده‌اند برای واهمه‌های بی‌نام‌ونشان آن دوران. زمانی طاعون و جذام بخش‌هایی از کره مسکونی شامل اروپا را درنوردیدند. بخش مهمی از الهیات مسیحی در رویارویی اجتناب‌ناپذیر با آنها شکل گرفت. هم‌زمان لباس الهه مرگ و الهه بخشندگی بر تن پوشیدند. از یک طرف بیماران را از خود می‌راندند یا محصور می‌کردند و از طرف دیگر، تقدیس‌شان می‌کردند و بوسه بر دست‌هایشان را موجب بخشایش گناهان می‌دانستند. طاعون در حالی که از دروازه‌های شهرها می‌گذشت و ساکنان را با وجود همه نذر و نیازهای کلیسا به کام مرگ می‌برد، خود محملی شد برای ترس و اضطراب هزاره اول بعد از میلاد، هزاره استبداد، خرافات و سرما؛ تجسم زمینی و قابل درک این ترس، این اجتناب‌ناپذیری و این سرمای استخوان‌سوز. چند قرن بعد مدرنیته و دانش موفق‌تر بودند. آنگاه که پرزیدنت پیروز جنگ جهانی دوم روزولت، در ابتدا مغلوب جنگ جهانی با فلج اطفال شد، ولی در ادامه در حالی که بر صندلی چرخ‌دار نشسته بود، جنگ با نازیسم، جنگ با فلج پاها و جنگ با فلج اطفال را چنان پیش برد که جان‌سخت‌ترین این دشمنان فلج اطفال هم چهار، پنج دهه بعد، سال‌ها بعد از مرگ او چشم از کره ما فروبست. بنا بر اسناد، نبرد شخصی او با فلج پاها هم موفقیت‌آمیز بود. او با وجود فلج هر دو پا توان انجام هر کاری حتی رانندگی را هم پیدا کرد. همین الان آنفلوآنزا هرساله پیش ماست و سالانه تعداد زیادی از میان سالمندان و ناتوانان را به کام مرگ می‌فرستد. هول و هراس از این ویروس جدید کرونا هم از جنس همه این هول و هراس‌های قدیم، تحت تأثیر واهمه‌های بی‌نام‌ونشان زمانه و دوران ماست. طاعون مدرنی که فقط با سلاح دانش، نظم و انضباط و مهم‌تر از همه « امید» می‌توان به مصاف آن رفت. با وجود زمینه‌ها و بحران‌های پی‌درپی جامعه ما که به دنبال تجسمی عینی می‌گردند و آن را در یک اپیدمی بیماری می‌یابند، عوامل امیدوارکننده هم در کشور ما کم نیستند. با وجود مشکلات و بحران‌های جدی در سیستم سلامت کشور که ریشه در مسائل بنیادین اجتماعی ما دارند، باید گفت شبکه به‌هم‌پیوسته بهداشت و درمان در کشور ما که دورترین نقاط کشور را به مرکز و به یکدیگر می‌پیوندد، یادگار آرمان‌های اول انقلاب است؛ سیستمی که بسیاری از کشورها فاقد آن هستند اگرچه در کشور ما هم به‌تمامی کارایی نیافت، اما تسمه نقاله‌ای است که «بالقوه» قادر است فقط با یک بخشنامه و دستورالعمل فعالیت‌های بهداشتی و درمانی را در همه کشور هماهنگ کند. به‌علاوه مدیران و کارشناسان میانی وزارت بهداشت و مدیران گروه‌های آموزشی و تخصصی پزشکی با وجود سیاست‌ها و وزارت‌های مختلف با کمترین امکانات و بیشترین مشکلات مانع ازکارافتادن سیستم درمان و آموزش پزشکی در کشور شده‌اند. اینها از سالم‌ترین و کوشاترین ساختارهای اجرائی کشور هستند که بارها نشان داده‌اند اگر هم‌زمان مورد وثوق مقامات بالا و مردم قرار گیرند و به بسیاری از امکانات دسترسی مستقیم داشته باشند، قابل اطمینان‌ترین گروه برای هزینه‌کرد امکانات هستند و قطعا توان بالایی از خود به نمایش خواهند گذاشت.

قلم سبز

آیا از خواب غفلت بیدار می‌شویم؟!

محمد درویش

● یک گزارش معتبر بین‌المللی که هفته گذشته در مجمع جهانی اقتصاد داوس ارائه شد، می‌گوید: در حالی که میزان مصرف کالا از سوی بشر از مرز باورنکردنی سالانه صد میلیارد تُن هم عبور کرده است، اما مقدار بازیافت کالا به نسبت کاهش یافته است. این در حالی است که شتاب استخراج ناپایدار سوخت‌های فسیلی، فلزات، مصالح ساختمانی و درختان آشکارا سبب کاهش تاب‌آوری و افزایش تخریب بوم‌سازگان‌های خشکی/دریایی در سراسر کره زمین شده و بر شدت جهان‌گرمایی افزوده است. نگارندگان گزارش هشدار می‌دهند: رفتار آدمی با منابع طبیعی دنیا به نحوی است که انگار آنها بی‌پایان هستند؛ رخدادی که جهان را به‌سوی فاجعه سوق می‌دهد. درواقع میزان مصرف از سال ۱۹۷۰ چهار برابر شده، در حالی که در این مدت جمعیت دنیا فقط دو برابر افزایش یافته است. در طول دو سال گذشته مقدار مصرف هشت درصد افزایش پیدا کرده، اما بازمصرف از ۹.۱ درصد فقط به ۸.۶ درصد رسیده است. گزارش نامبرده از سوی اندیشکده Circle Economy تهیه شده است. این گزارش نشان می‌دهد در حد متوسط، هر نفر از جمعیت کره زمین سالانه بیش از ۱۳ تن مواد گوناگون مصرف می‌کند، اما این گزارش همچنین به این نتیجه رسیده است که برخی ملت‌ها گام‌هایی در مسیر اقتصاد چرخشی بر مبنای بازچرخانی انرژی برمی‌دارند و می‌کوشند میزان پسماند و آلودگی را به صفر نزدیک کنند. هارالد فریدل، مدیر اجرائی اندیشکده نامبرده، می‌گوید: «اگر ما با منابع جهانی همچنان طوری رفتار کنیم که انگار آنها پایان‌ناپذیرند، خطر یک فاجعه را به وجود می‌آوریم. دولت‌ها باید فورا اقداماتی برای اقتصاد چرخشی اتخاذ کنند؛ اگر ما واقعا می‌خواهیم برای نزدیک به ۱۰ میلیارد نفر در نیمه این قرن زندگی با کیفیت بالا و بدون بی‌ثباتی در روندهای مهم سیاره ایجاد کنیم». مارک دِویت، نگارنده اصلی گزارش، می‌گوید: «ما هنوز به افزایش جمعیت و رشد رفاه خود با کسب مواد خام دامن می‌زنیم. ما نمی‌توانیم به این کار تا ابد ادامه دهیم؛ از اشتهای ما برای تاراج مواد خام باید جلوگیری شود». در این گزارش آمده است ۱۰۰.۶ میلیارد تن کالا در سال ۲۰۱۷ مصرف شده؛ آخرین سالی که از آن داده‌ها در دسترس هستند. نیمی از کل این مواد ماسه، خاک رس، سنگریزه و سیمان برای ساختمان‌سازی و به‌همراه آنها دیگر مواد معدنی برای تولید کود بوده است. زغال‌سنگ، نفت و گاز ۱۵ درصد و سنگ‌های معدنی ۱۰ درصد را شامل می‌شوند. یک‌چهارم باقی‌مانده از مواد گیاهی و چوبی است که از آنها به‌عنوان خوراک و سوخت استفاده می‌شود. سهم عمده این مواد- ۴۰ درصد- به خانه‌سازی تعلق گرفته است. دیگر موارد اصلی شامل خوراک، حمل و نقل، بهداشت، ارتباطات و کالاهای مصرفی مانند پوشاک و مبلمان می‌شوند. تقریبا یک‌سوم از مواد مصرفی سالانه مانند ساختمان‌ها و وسایل حمل و نقل پس از یک سال هنوز مورد مصرف باقی می‌مانند. اما ۱۵ درصد از آنها به شکل گازهای گلخانه‌ای به جو زمین انتشار پیدا می‌کنند و نزدیک به یک‌چهارم از آنها مانند پلاستیک در محیط‌زیست (آبراه‌ها و اقیانوس‌ها) دور انداخته می‌شوند. یک‌سوم از مواد نیز به‌عنوان پسماند به‌طور عمده به محل دفن زباله یا دفن مواد زائد از معدن‌کاوی انتقال پیدا می‌کنند و فقط ۸.۶ درصد بازیافت می‌شوند. به گفته کارولینا اشمیت، وزیر محیط زیست شیلی «این گزارش زنگ خطری برای همه دولت‌هاست، ما نیاز داریم برای تغییر سریع به اقتصاد چرخشی همه سیاست‌ها و تمهیدات لازم را به کار بگیریم. کریستین کلوز، از صندوق حیات‌وحش جهانی، می‌گوید: «اقتصاد چرخشی چارچوبی برای کاهش تأثیر (فعالیت‌های) ما، پشتیبانی از اکوسیستم‌ها و زندگی در میان منابع سیاره است». این گزارش گفته است بازیافت می‌تواند اقتصاد را رقابتی‌تر کند، به شرایط زندگی بهبودی ببخشد و به رسیدن به اهداف انتشار گازها کمک کرده و از جنگل‌زدایی جلوگیری کند. همچنین در این گزارش آمده است ۱۳ کشور اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و اسپانیا نقشه اقتصاد چرخشی را تصویب کرده‌اند و کلمبیا نخستین کشور آمریکای لاتین است که در سال ۲۰۱۹ به سیاست مشابهی اقدام کرده است. بنا بر این گزارش، ممنوعیت ورود زباله به چین موجب تشویق بازیافت محلی شده است.

همچنین به‌کارگیری استراتژی‌های اقتصاد چرخشی سبب شده است در کشورهایی مانند استرالیا که پیش‌تر زباله‌های خود را به چین صادر می‌کردند، تحولاتی مثبت رخ دهد. یانِژ پوتوچنیک، کمیسر محیط زیست سابق اروپا و رئیس هیئت‌مدیره بین‌المللی برنامه محیط زیست سازمان ملل، می‌گوید: همان‌طور که برنامه خودروهای اشتراکی نشان می‌دهند، دنیا باید بیاموزد با مواد کمتر، بیشتر کار و تقسیم‌کردن را جایگزین مالکیت کند.

پرنده آبی

خشونت علیه جانی دپ

دیلی‌میل یک فایل صوتی از سخنان امبر هرد و جانی دپ، یک سال پیش از طلاق پرحاشیه‌شان منتشر کرده است. این فایل صوتی، بخشی از مکالمه آنها شامل دعواهای فیزیکی و آزار و آسیب‌هایی است که امبر هرد به این بازیگر شناخته‌شده وارد کرده است. البته فایل با این سخنان جانی دپ پایان می‌یابد که من تو را دوست دارم و می‌خواهم همسر خوبی برای تو باشم. هر چند فقط چند ماه بعد از این دیدار و تراپی، هرد درخواست طلاق را مطرح کرد و کمتر از یک سال بعد در نشستی مطبوعاتی به تشریح آسیب‌ها و کتک‌هایی پرداخت که دپ به او زده بود. این بازیگر جوان هالیوود در جریان جنبش «من هم» بسیار فعال بود. حالا و با انتشار این فایل، واکنش‌هایی منفی نسبت به هرد افزایش یافته است. جانی دپ در اوایل دهه ۸۰ به وسیله همسر اولش و معرفی به نیکلاس کیج توانست از دنیای موسیقی وارد بازیگری شود. او سال ۱۹۸۶ از همسر اولش جدا شد و سال ۲۰۱۵ با هرد جوان ازدواج کرد و دو سال بعد هم در جریان طلاق با پرداخت هفت میلیون دلار و ازدست‌دادن اعتبار جدا شد. حالا آن‌طور که هرد در این فایل صوتی افشاشده می‌گوید، معلوم شده او تقریبا هر بلایی توانسته سر جانی دپ آورده است، مثلا انگشتش را با چاقو بریده، صورتش را با سیگار سوزاند، بارها کتکش زده و باعث شد از نقش جک اسپارو که عاشقش بود، اخراج شود. یکی از کاربران نوشته در کمال تعجب «امبر هرد، جانی دپو به فنا داده ولی سفیر قربانیان خشونت خانگی است». برخی نیز این سؤال را مطرح کردند دیزنی بعد از واردشدن اتهام‌های اولیه به جانی دپ وی را از مجموعه‌فیلم‌های دزدان دریایی کارائیب اخراج و اعلام کرد این مجموعه را ریبوت خواهد کرد. حالا باید منتظر ماند و دید آیا کمپانی وارنر از حضور امبر هرد در قسمت دوم آکوامن جلوگیری خواهد کرد یا خیر! در نهایت این فایل صوتی علامت‌های تعجب زیادی را به همراه آورد و این سؤال را پرسیدند که چطور دپ در جریان فایل ۳۰۰صفحه‌ای طلاق که با آن مواجه شده، دفاعی از خود نداشته است؟ نظر می‌رسد دپ نیز همچون کوین اسپیسی یکی دیگر از قربانیان جنبش «من هم همین‌طور» است و عده‌ای خواستار بررسی دوباره پرونده او شدند. اما مسئله مهم‌تر، خشونت خانگی است که باید فراتر از جنسیت به آن پرداخته و آسیب‌شناسی شود.

روایت

ما ملتی هستیم که تاب آوردیم

منصور خلج

این سرزمین پرقدمت ما در مسیر این چندین هزارساله تاریخ زخم‌ها و داغ‌های فراوانی را بر پیکرش شاهد بوده است؛ کم نیست که در جاهایی بشود به آنها دقیق استناد و اشاره کرد، اما همواره ما ملتی هستیم که تاب آوردیم، تحمل کردیم و در حقیقت این مسائل را به نوعی از داغ مغولان تا کشتن میرزا تقی‌خان امیرکبیر و زخم‌هایی که در حقیقت در دو جنگ جهانی نیز از آنها بی‌نصیب نماندیم، تاب آوردیم... و داغدارانه همدردی کرده‌ایم. با همه این مصائب، ما را هر چه بیشتر ملتی با شکیبایی و صبر و اسطوره‌هایی که در این زمینه ساخته‌ایم، معرفی کرده است. طبعا این زخم‌های اخیر هم مثل سقوط هواپیما، سیل سیستان و بلوچستان و... و اینها را هم ما مدارانه و صبورانه تحمل خواهیم کرد اما همواره به یاد داریم باید قوی و همدل باشیم و همواره با خویشتن‌داری خودمان را به سمت درایت و تعقل سوق دهیم تا در حقیقت از این شیب‌هایی که در مسیر راهمان قرار می‌گیرد، همواره همچون کاوه، سیاوش و فریدون سربلند و سرافراز بیرون بیاییم. این همواره درس استقامت تاریخی این ملت است. ما کم نداشته‌ایم، از زمان خشایارشاه و در جنگ معروف سالامیس و در ادامه آن حمله اسکندر مقدونی، ادامه آن همواره جنگ‌های ممتد امپراتوری قدرتمند روم را داشته‌ایم. بعد ما با حمله اعراب مصادف شدیم و کمی بعدتر در حقیقت ویرانی خانمان‌براندازی که مغولان در کشور ما برپا کردند. هیچ‌وقت ما را متوقف نکرد، مگر در تاریخ ما کم هستند مثل ابومسلم‌ها، بابک خرمدین‌ها و منصور حلاج‌ها و... همین‌طور جلو می‌آییم در مسیر تاریخ فراوان داریم تا می‌رسیم به دوره صفویه و عصر قاجار و مشروطه‌ای که با خون و جگر فراهم شد و بعد ما همواره در گرداب‌های تراژیک دول استعمارگر که در راهمان فراهم کردند، کم هزینه نکرده‌ایم.

به هر حال، اینکه به لحاظ جغرافیایی در جایی قرار گرفته‌ایم اگر مورد تعرض هولاکوخان و مورد یورش مغول‌ها قرار می‌گیریم، برای این است که از کشور ما و جاده ابریشم به سرزمین‌های اروپایی بروند. بعد هم بهره‌مندی از منابع غنی‌ای که شاهدش هستیم، همواره طمع‌کاران را وسوسه کرده است. مگر نه اینکه ما جزء قدیمی‌ترین تمدن‌هایی هستیم که در جهان به وجود آمد. همواره در تاریخ دو تمدن دوشادوش هم حرکت کرده‌اند؛ یکی تمدن آسیایی که ما بودیم و یکی هم تمدن اروپایی که یونان باستان بود. در نتیجه این تاریخ دیرپای ما مثل درختی تناور شاهد خزان‌ها، توفان‌ها، گردبادها و متعاقب آن بهار و شکوفایی بوده است و همواره ما با تولید فرهنگ و هنر به جهان فخر می‌فروشیم. در دشوارترین شرایط حکیم ابوالقاسم فردوسی را داریم که آرمان و اخلاق متعالی را در این جامعه بیدار می‌کند. حافظ، نظامی، سعدی و ملک‌الشعرای بهار، دهخدا و نیما، همه در شرایط سخت و دشوار این سرزمین هنر آفریده‌اند.

فرهنگ عامه ما سرشار از این حماسه‌ها، افسانه‌ها و متل‌هایی است که همه این داغ‌ها را در حقیقت به نوعی هنرمندانه بازگو کرده است. حتما در حقیقت انسان مکانیسمی را برای فرار از این مصائبش پیدا کرده و آفرینش ادبیات و هنر یک راه می‌تواند باشد.

این اتفاقات هم بخشی از تاریخ ماست و باز هم ما تاب می‌آوریم و استقامت می‌کنیم و قوی و پایدار به آینده‌ای بهتر امیدوار هستیم.

اتفاق

فرصتی برای متقاضیان بیمه‌پایه

هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با توجه به درخواست برخی اعضا، مهلت ثبت‌نام برای دریافت بیمه پایه صندوق اعتباری هنر، ویژه اعضای انجمن را تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه، ۱۶ بهمن تمدید کرد. همکاران متقاضی حتما تا تاریخ فوق درخواست خود را به تلگرام انجمن به شماره ۰۹۰۲۴۴۰۱۳۹۲ اعلام کنند. از آنجایی که ارائه لیست بیمه پایه فقط سالی یک‌بار قابل انجام است، بدیهی است بعد از تاریخ فوق درخواستی ثبت نخواهد شد و این آخرین مهلت برای ثبت‌نام است. این امکان در پی جلسه مشترک هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با مدیرعامل و مدیران صندوق اعتباری هنر فراهم آمده است و امکان بیمه پایه برای اعضای انجمن مورد توافق طرفین قرار گرفت. در این جلسه مقرر شده بود آن دسته از اعضای انجمن که از بیمه پایه برخوردار نیستند، با معرفی انجمن به صندوق اعتباری هنر، از بیمه پایه و مزایای آن برخوردار شوند.